



انسان در اینجاست که کاملاً خود را به خدا می‌دهد و از همه چیز خود، حتی غرور و من «خود» در می‌گذرد، می‌داند و اطمینان حاصل می‌کند که همه آنها به یاد رفتند و نابود شده‌اند و دیگر نیستند و بی‌معنی و پوچ بودند و دیگر باز نمی‌گردند... احساس شرم از آن همه کودکی و آن آرزوهای بچگانه و خواسته‌های پست که قبلاً داشته است. احساس اینکه به عقلی کلی‌تری پی برده و به حقایق بزرگی عملاً رسیده است؛

## شهید چمران؛ سردار راستین اندیشکده علی(ع)



اندیشکده چمران، رزمگاه حادثه است و هنرستان عشق‌بازی درویش‌گونه‌های علی‌وارش، در کوه‌ها و دشت‌ها و بیابان‌ها، از دانشگاه تهران تا بلندی‌های کالیفرنیا، از صحرای سینا تا صور و از کوه‌های پاره تا دشت دهلاویه که خونین‌گاه رقص مستانه شهادت وی است، او را می‌بینند. چمران، دکترای فیزیک پلاسما گذاخت هسته‌ای دارد و در میان دانشمندان نخستین ماهواره پرتابی ایالات‌متحده آمریکا قرار می‌گیرد؛ اما از دنیا دست شسته، به میان محرومان و ستمدیدگان می‌آید تا راه خویش را در گذرگاه زندگی بیابد.

اندیشه‌های چمران، در نهان‌خانه دل، پنهان شده‌اند و اندکی بیشتر، از آن همه دریاهای بی‌کران اندیشه‌اش، در دست نیست. چمران، آموزگار گمنامی‌ها در مسیر جهاد و شهادت است. راهی که شریعتی‌ها پای رفتن‌شان گاه می‌لنگد. چمران مرد کارآمدی و میدان عمل است؛ و شریعتی مردی برای از میدان‌ها گفتن؛ و این دو دوستانی هستند که قرار است بر مزار دیگری مرثیه بخوانند...

اندیشکده چمران، رزمگاه حادثه است و هنرستان عشق‌بازی درویش‌گونه‌های علی‌وارش، در کوه‌ها و دشت‌ها و بیابان‌ها، از دانشگاه تهران تا بلندی‌های کالیفرنیا، از صحرای سینا تا صور و از کوه‌های پاره تا دشت دهلاویه که خونین‌گاه رقص مستانه شهادت وی است، او را می‌بینند؛ آن گاه که با هستی و وجود خویش در وداعی عاشقانه آواز سر می‌دهد و بر آهنگ گل‌گله‌های بعضی، زیباترین رقص خون را به شهادت می‌نشانند.



بنابراین، معیارها در نظر انسان تغییر پیدا می‌کند، از پوچی‌ها و مسخره‌ها صرف‌نظر می‌کند و خواسته‌هایش در بُعدی عمیق‌تر و وسیع‌تر جاری می‌گردد. احساس اینکه او و همه او متعلق به خداست، او از همه چیز خود در گذشته است و اگر دوباره به دنیا آمده، فقط به خواست و اراده خدا بوده است. بنابراین او برای خود چیزی و وجودی ندارد، هر چه هست اراده و مشیت خداست و او فقط باید به خاطر خدا و در راه خدا قدم بردارد و سراسر وجود خود را وقف خدا نماید و بس... این حالات که در تجربه‌ای کوتاه و سریع به انسان دست می‌دهد، با نتیجه سال‌ها عبادت و ریاضت و مطالعه و تحقیق برابری می‌کند و آنچه‌ان آدمی را متقلب می‌نماید که انسانی جدید و بازساخته به وجود می‌آورد...۳

«انسانی می‌تواند زندگی حقیقی داشته باشد که اسیر و برده زندگی نگردد، هیچ چیز حتی خود زندگی، او را به قید و بند اسارت و ذلت نکشاند، آزاد و مختار باشد و تا وقتی که زنده است با افتخار و شرف زندگی کند و هنگامی که مرگ فرا رسد، آن را با آغوش باز بپذیرد که خود مبدء حیات اخروی و تکامل بزرگتر و مهم‌تری است. این انسان تا وقتی که زنده است براسستی زندگی می‌کند، آقا و سرور خود می‌باشد، از موجودیت خود لذت می‌برد و جسم مادی او وسیله‌ای برای روح او و شخصیت انسانی اوست و چون از مرگ نمی‌ترسد قدرتمند است و دیگران در مقابل اراده او تعظیم می‌کنند...۴

آن چه از چمران برای ما مانده است، چمران را انسانی می‌بینم که پر از درد است. او اسلام شیعی را به عنینت اسلام شیعی و اصالت آن پذیرفته و در دریای علی و تشیع او غوطه‌ور است. اسلام شیعی او، تفسیر و تأویلی ندارد؛ او در دعای کمیل علی، ذوب شده است. علی و تشیع برای او همان است که هست. نه چیزی بیش نه چیزی کم. همین مقدار از اسلام شیعی، او را به جایگاه دانشمندی عارف‌مسلك می‌نشانند که هر جا فریاد دردمندی بلند است، خود را به آن جا می‌رساند تا در کنارش باشد و از درد و حرمان بسوزد و بگذارد. «آرزو دارد تا پرچم علی را بر فرق زمین بکوبد... و وجود پاک و درخشانش را با افتخار و عشق به تشنگان حقیقت و عدالت بنماید.» ۵

چمران، شیفته مردانی چون امام موسی صدر و امام خمینی می‌شود؛ چرا که آنان را ذوب در اسلام علی می‌بیند. او قرار نیست چیزی بر اندیشگاه شیعه بیفزاید؛ که قرار است تا در این اندیشگاه، پاسداری راستین باشد که با خون خویش، آن را آبیاری نماید. او آمده است تا تشیع را نه تنها در زبان و گفتار که در کردار خویش به جهان مانده در ستم، نمایش دهد؛ و این جاست که «سردار پر افتخار اسلام» ۶ می‌شود.

اسلام شیعی در گذرگاه خویش، انسان‌هایی را پرورش می‌دهد که زاییده دردند و حرمان، با خروشی غیرتمند و بی‌باک و اندیشه‌هایی پاک و بی‌آلایش که هر چه بزرگتر شوند، باز هم سادگی‌شان، آنان را نه بر زور و زر و نیرنگ که خروش بر ستم است و خواهان دادگری... کسانی که اسلام‌شان و علی گونگی‌شان نه بر اختلاف‌های فرقه‌ای دامن می‌زند که بر یکپارچگی امت واحده می‌خوانند و نه بر تفسیرها و تأویلهای می‌نگرند که بر اصالت‌پندار، گفتار و کردار می‌نگرند تا اندیشگاه مکتب چه چیزی را بیان داشته است.

اینجاست که آنان نه در بند تحجر و عقب‌ماندگی می‌مانند و نه بر مدار روشنفکرانه‌های غرب‌گرایانه و شرق‌گرایانه می‌رقصند؛ اینان، پهلوانانی هستند که بیش از هر چیز آزادی را بر مدار یکتاپرستی خروشنده برای برکنند ریشه‌های ستم و برپایی داد، برقص واداشته‌اند. آنگاه که در اوج تنهایی‌شان «با قلب خود به راز و نیاز می‌پردازند و بر کسی منتی ندارند، اینجا، قلب می‌سوزد، اشک می‌جوشد، وجود خاکستر می‌شود و احساس سخن می‌گوید.

در دیدگاه آنان حقیقت امر، اینجاست که فلسفه مادی به هیچ‌وجه قادر نیست که این احساس درونی، این اشراق، این عرفان را بفهمد و توجیه کند. اصولاً درصد فهم آن نیست، این دنیای دیگری است.

و اینجاست که پهلوان، چونان روشنفکران، خود را در بند قهوه‌خانه‌های نمی‌سازد که نشینند، پا روی پا بیندازند، روزنامه بخوانند و از سختی‌ها و ستم‌هایی که به ناروا بر انسان‌ها می‌رود بگویند و بگریزند؛ بلکه خود را به معرکه می‌آورند تا اگر نمی‌توانند برای آنان کاری کنند، حداقل در کنار آنان باشند.

آنان اعتقاد دارند که خدای بزرگ، انسان را به اندازه درد و رنجی که در راه خدا تحمل کرده است پاداش می‌دهد و ارزش هر انسانی به اندازه درد و رنجی است که در این راه تحمل کرده است و می‌بینم که مردان خدا بیش از هر کس در زندگی خود گرفتار بلا و رنج و درد شده‌اند، علی بزرگ را بنگرید که خدای درد است که گویی بندبند وجودش، پا درد و رنج جوش خورده است، حسین را نظاره کنید که در دریایی از درد و شکنجه فرو رفت که نظیر آن در عالم دیده نشده است و زینب کبری را ببینید که با درد و رنج انس گرفته است.

آنها می‌گویند: خوش دارم هیچ کس مرا نماند، هیچ کس از غم‌ها و دردهایم آگاهی نداشته باشد، هیچ کس از راز و نیازهای شبانه‌ام نفهمد، هیچ کس اشک‌های سوزانم را در نیمه‌های شب نبیند، هیچ کس به من محبت نکند، هیچ کس به من توجه نکند، جز خدا کسی را نداشته باشم، جز خدا یا کسی راز و نیاز نکنم، جز خدا انیسی نداشته باشم، جز خدا به کسی پناه نبرم...۱

و آن گاه انقلابی را می‌یابند که مردمان را به میدان آورده است؛ «اما رهبران انقلاب بعد از پیروزی به جان هم می‌افتند، همدیگر را می‌کوبند، دشمنان را خوشحال می‌کنند و عدم رشد انقلابی و انسانی خود را نشان می‌دهند.

آرزو دارند تا انقلابی رخ دهد که رهبرانش با هم متحد باشند، خود را فراموش کنند، منیت‌ها را کنار بگذارند، وحدت کلمه خود را حفظ کنند و به انقلابیون دنیا نشان دهند که آن‌چنان انقلابی است که برخلاف همه انقلاب‌ها و همه مکتب‌ها و همه کشورها، خدا و مکتب و هدف، بر خودخواهی‌ها و غرورها غلبه دارد و نمونه‌ای بی‌نظیر در سلسله تکاملی انسان‌ها به شمار می‌آید.

اصولاً انقلاب سه چهره دارد. چهره اول؛ تغییر سلطه سیاسی و نظامی مملکت است، چهره دوم؛ تغییر سیستم و نظام کشور و چهره سوم انقلاب؛ تغییر و تحول قلبی و روحی در انسان‌هاست.

اما پس از انقلاب؛ در اسلام، مسلماً ما دیکتاتوری را رد می‌کنیم. دیکتاتوری انسان بر انسان باید از بین برود. وارد بحث فلسفی نمی‌خواهم بشوم که اساس خدایپرستی ما بر آن است که هیچ دیکتاتوری را و هیچ طاغوتی را نپذیریم. در زیر این گنبد از آنچه رنگ تعلق می‌پذیرد آزاد بشویم، بنابراین در مقابل تنها کسی که تسلیم می‌شویم و تعظیم می‌کنیم خدای لایزال است و بس و خدای بزرگ (توجه کنید از نظر قانون)، خدای بزرگ یعنی معیارها. خدا دیکتاتور نیست، چون منفعت شخصی ندارد. خدای بزرگ یعنی قوانین الهی، یعنی معیارها. کسی که در مقابل خدای بزرگ تعظیم می‌کند، تسلیم می‌شود، عبادت می‌کند، یعنی در مقابل قوانین الهی تسلیم می‌شود، در مقابل معیارها تعظیم می‌کند، در عوض با دیکتاتوری که دارای هوی و هوس است بکلی مخالف است.

در بحث حکومت به‌طور خلاصه سه اصل بزرگ را برای شما می‌گویم که اصل اول آزادی انسان است. اصل دوم قرآن، قرآن که می‌گویم یا قرآن و سنت یعنی همین معیارها که مورد نظر ماست؛ و اصل سوم شورا. «و شاورهم فی الامر» و همچنین «و امرهم شوری بیّنهم»؛ یعنی اگر حکومت در اسلام را بخواهیم به مختصرترین وجه بیان کنیم این سه اصل را می‌توانیم بنویسیم، اصل اول انسان، معتقد به آزادی انسان است که در مقابل هیچ دیکتاتوری و هیچ طاغوتی تسلیم نشود جز در مقابل خدا که او هم دیکتاتور نیست. دوم قبول معیارها که این معیارها را از قرآن و سنت گرفته‌ایم و این معیارها لا یتغیرند، ثابت هستند. سوم در قالب این معیارهای قرآنی و خدایی انسان‌ها آزادند، دموکراسی دارند، با شورا و مشورت باید کارهای خودشان را حل بکنند؛ بنابراین باز می‌بینیم که سیستم حکومتی اسلام سیستمی است که نه سیستم غربی است و نه سیستم شرقی و تمام مشکلات دو سیستم را بخوبی حل کرده است؛ و خلاصه اگر مشکلی در اجتماع ما وجود دارد مشکل از خود ماست نه از اسلام ما، نه از مکتب و ایدئولوژی ما... ۲

اما او کیست؟ «در دنیا انسان‌هایی یافت می‌شوند که عمق دیدشان یا دیگران تفاوت دارد، به لذات مادی دنیا راضی نمی‌شوند، به مال و جاه و اولاد علاقه چندانی ندارند، به آرزوهای زودگذر دل نمی‌بندند و به‌طور کلی اسیر دنیا نمی‌شوند، ولی در عین حال به «خود» و به «من» علاقه‌مندند. «من» آنها و الامقام است و خواسته‌هایی والا دارد و هیچ‌گاه خود را سرگرم بازیچه‌های دنیا نمی‌کند، آرزوهای آن آسمانی و خدایی است، به بی‌نهایت و ابدیت اتصال دارد و همه دنیا را در بر می‌گیرد، از معراج روح سیراب می‌شود و در بُعدی روحانی و خدایی سیر می‌کند. ولی به هر حال رنگی از خودخواهی و خودبینی در آن وجود دارد...»

البته هستند معدود کسانی که از این خودخواهی هم می‌گذرند و آن‌چنان در خدا محو می‌شوند که دیگر «خود» و «من» نمی‌بینند و با همه وجود به درجه وحدت می‌رسند... اینجا سخن از موقی است که آدمی در برابر تجربه‌ای سخت قرار می‌گیرد و مرگ بر او مسلم می‌شود و براسستی دست از جهان می‌شود، با همه دنیا و مافی‌ها وداع می‌کند، همه خودخواهی‌هایش ریخته می‌شود، به پوچی زندگی و آرزوهای زودگذرش آگاه می‌شود، آسمان رنگ دیگری به خود می‌گیرد، زمین جلوه دیگری می‌یابد؛ گذشته‌ها همچون خیال از نظر آدمی می‌گذرد، دشمنی‌ها، کینه‌ها، حسادت‌ها، کوتنظری‌ها، خودخواهی‌ها، غرورها، خواسته‌ها، آرزوها، همه پوچ و بی‌معنی می‌نمایند؛ آدم می‌ماند و خدا که ماورای این زمین و زمان است و بقیه بازیچه است، مسخره است، بی‌معنی است...»

- ۱- بینش و نیایش / مصطفی چمران
- ۲- انسان و خدا / مصطفی چمران
- ۳- انسان باز یافته / مصطفی چمران
- ۴- انسان آزاده / مصطفی چمران
- ۵- زیباترین سروده هستی / مصطفی چمران
- ۶- پیام امام خمینی به مناسبت شهادت دکتر مصطفی چمران

محمد مهدی اسدزاده



**آگهی فقدان مدرک تحصیلی**

مدرک فارغ التحصیلی اینجناب یاسر پایمرد فرزند قاسم به شماره شناسنامه ۱۵۰۰۱۰۷۰۷ صادره لامرد در مقطع کارشناسی رشته مهندسی شیمی گرایش صنایع بلائیش پتروشیمی و گاز صادره از واحد دانشگاهی لامرد مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می باشد. از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد لامرد به نشانی فارس - لامرد - فلکه دانشجو ارسال نماید.

۳۳۵۷۷/۱۹۲۴۸۳

**روزنامه طلوع آگهی و مشترک می‌پذیرد**

۳۲۳۴۴۷۷۲ - ۴۲۲۲۹۲۴۶

**آگهی تجدید مناقصه ۱۶۷-۹۹**

نوبت اول: ۹۹/۴/۱ خیر جنوب نوبت دوم: ۹۹/۴/۲ طلوع

سازمان مدیریت پسماند شهرداری شیراز در نظر دارد امور مربوط به دفن و تسطیح خاک و پسماندهای ساختمانی واقع در سایت دفن خاک و پسماندهای ساختمانی شیراز (کیان آباد) را بر بآورد اولیه سالانه ۱۶/۶۷۵/۹۷۸/۳۳۸ ریال از طریق مناقصه عمومی واگذار نماید لذا از کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی واجد شرایط دارای سابقه مرتبط با موضوع ماشین الات دعوت به عمل می آید ضمن بازدید از محل به منظور دریافت اسناد مناقصه پس از نشر آگهی به امور قراردادهای سازمان مدیریت پسماند شهرداری شیراز واقع در بلوار استقلال نبش کوچه ۳۶ طبقه دوم مراجعه نمایند. ضمناً جهت کسب اطلاعات بیشتر می توانند با شماره تلفن های ۴۰-۳۶۴۹۹۲۳۶ داخلی ۲۵۱ تماس حاصل فرمایند.

شرایط مناقصه ۱- مبلغ تضمین شرکت در مناقصه ۸۳۴/۰۰۰/۰۰۰ ریال بصورت ضمانت نامه بانکی یا فیش واریزی نقدی بحساب سپرده ۱۰۰۸۲۸۲۵۹۳۷۳ بانک شهر شعبه کریمخان زند به نام سازمان مدیریت پسماند شهرداری شیراز

۲- برندگان اول و دوم مناقصه هرگاه حاضر به عقد قرارداد نشوند سپرده آنان به ترتیب ضبط خواهد شد.

۳- شهرداری در رد یک یا کلیه پیشنهادات مجاز میباشد که در اینصورت سپرده ها مسترد میگردد.

۴- هزینه نشر آگهی و سایر هزینه های متعلقه به عهده برنده مناقصه خواهد بود.

۵- جلسه توجیهی ساعت ۱۰ صبح روز سه شنبه مورخ ۹۹/۴/۱۰ در محل سایت دفن خاک و پسماندهای ساختمانی شیراز کیان آباد) می باشد.

۶- مدت اجرای پروژه: ۱ سال شمسی ۷- آخرین مهلت تحویل اسناد پایان وقت اداری روز پنجشنبه مورخ ۹۹/۴/۱۲ می باشد.

۸- پیشنهادهای فاقد سبده، مخدوش و بعد از موعد مقرر ترتیب اثر داده نخواهد شد.

۹- پیشنهادات واصله در ساعت ۱۳ روز شنبه مورخ ۹۹/۴/۱۴ در کمیسیون مناقصه شهرداری واقع در سالن جلسات اداره کل حقوقی شهرداری شیراز واقع در چهار راه خلدبرین باز و خوانده میشود.

۱۰- شرکت در مناقصه و دادن پیشنهاد به منزله قبول شروط و تکالیف شهرداری موضوع ماده ۱۰ آیین نامه معاملات شهرداری می باشد.

۱۱- جهت اخذ اسناد مناقصه، شخصاً و یا از طریق معرفی نماینده و ارائه رسید واریز مبلغ ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال به شماره حساب ۴۱۰۳ بانک شهر به نام سازمان مدیریت پسماند الزامی می باشد. ۱۲- سایر اطلاعات و جزئیات مربوط به مناقصه در اسناد مناقصه مندرج است.

شناسه آگهی: ۸۸۵۰۹۰ ۳۳۵۷۱

۲۱۴۹/م الف

**اداره کل ارتباطات و امور بین الملل شهرداری شیراز**